



روزی روزگاری به شخصی به نام ط وجود داشته است.
 این آقای ط قدرت عجیب و غریبی داشت.
 قدرت آن این بود که می توانست اشیا را که با حرف
 ط شروع می شوند بکشد و به شکل واقعی تبدیل کند. آقای ط
 در سیرت کاری نداشت و معمول همه چیزهایی بود که با حرف
 ط شروع می شد. آن روز قبل از اینکه آقای ط بیاید و ناپس
 را جدا کند قبل از آن شیرها برنامه داشتند و برنامه ی آن ها
 پریدن از حلقه های آتش بود.
 آقای ط وارد صحنه شد. با پذیرفته مردم گفت بیایید با حرف
 ط بازی کنیم و به مردم گفت اشیا زبانی وجود دارد که با حرف
 ط شروع می شوند مانند کلمه. آقای ط اول آمد و با کلمه یک حلقه
 بر روی هوا کشید و آن را به حلقه ی واقعی تبدیل کرد. یک دفعه شیری که در پشت
 پرده بود و از بقیه ی شیرها مقروء تر بود آمد و گفت: واستا. من می خوام
 از حلقه بپریم. آقای ط گفت: نه اصلاً نمی شود چون حرف اسد
 با ط شروع نمی شود. فقط اشیا ی می تواند از این حلقه بپرد
 که نام آن ها با حرف ط شروع شود. شیر با گفتن این
 موضوع عصبانی شد و گفت نه این عادلانه نیست.

آقای طابرای اینکه به شیر ثابت کفد گفت نگاه کن
 هوا پیمای از حلقه می تواند بگذرد چون با حرف ط شروع
 می شود . پرده از حلقه می تواند بگذرد چون آن هم با حرف
 ط شروع می شود و کودک هم می تواند از حلقه رد شود چون
 آن هم با حرف ط شروع می شود .
 شیر با دیدن آن کودک گفت خوب پسح الران
 کودک می تواند از حلقه بگذرد پس من هم می توانم .
 شیر بدون اینکه از آقای ط اجازه بگیرد به درون حلقه پرید .
 آقای ط گفت می چی کار می کنی . اقامتت سفانه کار از کار
 گذر شده بود . آیی دستم زخم شده . خوب سنانفوح آوردی
 به چیز مفید وجود داره که با حرف ط شروع می شود طبیب .
 شیر پس از اینکه دکتر یا نسائین کرد گفت . حالا بهترین ولی من
 دکتر با حرف ط کاری ندارم .
 حتی برای یک ثانیه









